

تجلی خدای گفتگو در کاربرد قرآنی «قُل»

احد فرامرز قراملکی *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۲۱

چکیده:

گونه‌ای از خطاب قرآن، خطاب با قل است که ۳۳۲ بار آمده است. چنین خطابی ساختار شش‌بخشی دارد و از حیث پیام قل، فرایم و مخاطب آن گوناگون است. کاربرد قل در آیات مکی بیش از آیات مدنی است. تناسب بین پیام و مخاطب آن و رصد کردن فرایم و نیز جستجو از سر کاربرد قرآنی قل مسایل تحقیق حاضر است. خطاب قل، بر حسب مخاطب آن پیام، مضمون‌های گوناگونی از مسایل فقهی و اخلاقی مؤمنان تا پاسخ به اشکال‌ها و خرده‌گیری‌های یهود، کافران، مشرکان و منافقان دارد. خطاب با قل فضای گفتگوی نزدیک خدا و انسان را ترسیم می‌کند. ترویج فضای گفتگوی نزدیک بر اصول اخلاقی و مبانی کلامی استوار است. مهمترین مبنای کلامی آن، نظریه اسلامی اوصاف باری‌تعالی بویژه سه صفت سمیع، بصیر و مکلم بودن را است. این سه صفت را می‌توان در تعبیر جامع خدای گفتگو جمع کرد. این دیدگاه، فرضیه‌های دیگر، چون خطاب تشریف و تاکید رد انگاره بشری بودن قرآن نیز فرا می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: قل، خطاب تشریف، پیام و فرایم، خدای گفتگو، اوصاف باری‌تعالی، فرهنگ گفتگو.

مقدمه

برخی از آیات و سوره‌های قرآن با قل می‌آغازند. گاهی در بین آیه، جمله‌ای با قل بیان می‌شود. سبب آمدن قل در آغاز جمله، آیه و سوره چیست؟ وحی اسلامی، هویت پیام دارد: پیام خدای متعال به انسان. واسطه این پیام، پیغمبر گرامی اسلام (ص) است. قرآن، سخن و قول خدا است. پس در هر جمله‌ای از قرآن، فرمان خدا به رسولش - که بگو یا برسان - نهفته است. اما، چرا در برخی از آیات، فرمان بگو به صراحت آمده است؟ نقش و کارکرد زبانی قل چیست؟

مفسران، در برخی از موارد کاربرد قرآنی قل به توضیح نقش آن پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه، علامه طباطبایی در تفسیر «قل کل يعمل علی شاکلته...» (اسراء/ ۸۴) آن را پاسخ به سؤال و اعتراض مقدر می‌داند (المیزان، بی‌تا: ۱۱۳/۱۳). چنانچه در تفسیر آغازیدن سوره کافرون با قل گفته‌اند: امر قل فرمان اعلام از جانب خداوند است تا مخاطبان «کافران» متوجه شوند که آن حضرت واسطه ابلاغ است و نظر و مصلحت شخص او در اجرای این امر دخالت ندارد و تا یکسر امیدشان از هرگونه سازگاری درباره یگانه‌پرستی قطع شود (طالقانی، ۱۳۴۵: ۲، ۲۸۲). همچنین است بیان سرّ مصدر شدن سوره اخلاص به قل: «امر قل اشعار به این حقیقت دارد که چون اوصاف کامل و جامع خداوند برتر از دریافت عقول بشر است، باید از جانب او بیان و اعلام شود (همان: ۳۰۰).

هر سه نمونه، سرّ کاربرد قل در مورد خاص را تفسیر می‌کند. اما آیا می‌توان تفسیری جامع از کاربرد قرآنی قل به‌طور کلی ارائه کرد که با گوناگونی موارد آن سازگار باشد؟

سیوطی کارکرد زبانی قل را بر پایه گونه‌ای از خطاب قرآن، خطاب تشریف (بزرگداشت) به نحو عام

تفسیر می‌کند: «خطاب تشریف، هر [جمله‌ای] در قرآن است که به وسیله «قل» خطاب شده است. چنین خطابی برای گرامی‌داشت و ارج نهادن خداوند متعال در خصوص این امت است. سرّ تشریف امت نیز این است که امت را بدون واسطه خطاب می‌کند» (سیوطی، ۱۳۶۳: ۱۱۵/۳). تحلیل سیوطی را می‌توان یک فرضیه از فرضیه‌های محتمل دانست، فرضیه‌هایی چون، انداز، رد انگاره بشری بودن الفاظ قرآن (نک، فقهی‌زاده، ۱۳۹۱: ص ۷۳). این تحلیل‌ها را گوناگونی مخاطب در خطاب قل به چالش می‌کشد.

از معاصران استاد آیت الله سبحانی به تفصیل از کاربرد قرآنی قرآن بحث کرده‌اند. تدوین فرضیه تحقیق، آزمون آن و بررسی فرضیه‌های رقیب محتاج استقراء تام از همه موارد کاربرد قرآنی قل و عبور از موارد کاربرد قل به مواضع آن است. فرضیه تحقیق حاضر این است که کاربردهای قرآنی قل، ایجاد فضای گفتگوی نزدیک خدا و مخاطبان وحی، اعم از مسلمان، مؤمن، کافر، مشرک، منافق، اهل کتاب و ناس است. ماهیت پیام بودن وحی اسلامی و سه صفت قرآنی خدا یعنی تکلم، سمع و بصر با ایجاد فضای گفتگوی نزدیک به وسیله قل، خدای گفتگو را نشان می‌دهد که می‌توان با او سخن گفت، او می‌شنود و کنش‌ها را می‌بیند و گفتارها، باورها و کنش‌ها را با قل پاسخ می‌دهد.

استقراء تام کاربردهای قرآنی قل و تدبّر در اصناف، گونه‌ها و هریک از موارد، مسایل نیازمند به پژوهش مستقل را نشان داد. این مسایل را، در این نوشتار کوتاه نمی‌توان آورد، به ارایه فهرستی برای محققان قرآن‌پزوه بسنده می‌کنیم:

۱- تبیین توزیع فراوانی قل در دو ترتیب مصحف و نزول. ۲- تفاوت کمی کاربرد قل در سوره‌های مکی نسبت به مدنی و فراوانی آیات مُصدر به قل نسبت به

است. در برخی از آیات، قل بیشتر از یک مورد به کار رفته است. بیشترین کاربرد قل در آیه واحد، آیه ۱۶ سوره مدنی رعد (۵ مورد) و سپس آیه ۱۹ سوره انعام (۴ مورد) است.

۲-۲) جایگاه «قل» در کاربرد قرآنی

«قل» در قرآن در سه موضع گوناگون آمده است: یک، آغاز سوره. پنج سوره مکی پس از بسم الله الرحمن الرحیم، با قل می‌آغازند: جن، کافرون، اخلاص، فلق و ناس. آمدن قل در آغاز این سوره‌ها، تدبّر در ارتباط معنایی آن را با همه آیات آن سوره‌ها به میان می‌آورد، مگر آنکه تنها آیات نخست را مصدر به قل بدانیم و نه سوره را. بر این مبنا جایگاه نخست منتفی می‌شود.

دو، دومین جایگاه قل، آغاز آیه است و آن شامل ۵۷٪ کاربرد قرآنی قل می‌شود. ۱۹۰ آیه قرآنی مصدر به قل است. سه، آمدن «قل» در میان آیه، شامل ۱۴۲ مورد یعنی ۴۲/۸٪ کاربرد قرآنی قل می‌شود. گاهی در آیه‌ای واحد چند «قل» در میان آیه آمده است. چنین آیاتی فضای گفتگوی نزدیک را بیشتر ترسیم می‌کنند.

جایگاه سه‌گانه قل در سوره‌های مکی و مدنی تفاوت قابل تأملی دارد: جایگاه نخست، تنها به سوره‌های مکی اختصاص دارد. آیات مصدر به قل در سوره‌های مکی با نسبت ۶۴/۷٪ به ۳۵/۳٪ بیشتر از کاربرد قل در میان آیات است. در حالی که این نسبت در مقایسه با سوره‌های مدنی برعکس است. قل در آغاز آیه در سوره‌های مدنی با نسبت ۳۶٪ به ۶۴٪ کمتر از کاربرد قل در میان آیه در همین سوره‌ها است. در برخی سوره‌های مکی (ملک، جن و فرقان) جایگاه همه موارد قل، آغاز آیه است. بیشترین آیات آغاز شده با قل در سوره مکی انعام با ۲۴ مورد است. این وصف مختصر نشان می‌دهد که «قل» با چنین توزیعی در قرآن نیازمند تبیین است.

آیاتی که قل در میان آنها آمده است در سوره‌های مکی و کمتر بودن این نسبت در سوره‌های مدنی. ۳- جستجو از فرایم و کارکرد معنایی قل در پیام آن (فرایم قل). ۴- تعیین مخاطب پیام قل در موارد فراوانی به بیش از قل و پس از آن به مخاطب پیام قل اشاره‌ای نشده است و تبیین سر نهفته بودن مخاطب قل در این موارد. ۵- بررسی تطبیقی خطاب قل با گروه‌های مختلف چون مسلمان، کافران و مشرکان، منافقان، یهود و نصاری و اهل کتاب و ناس. ۶- مقایسه خطاب قل در قرآن و تورات

۲) بررسی آماری کاربرد «قل» در قرآن

کاربرد قرآنی «قل» را از جهت تعداد، جایگاه آن در سوره و آیه، توزیع فراوانی آن در دو ترتیب مصحف و نزول و توزیع آن در بین سوره‌های مکی و مدنی می‌توان بررسی کرد.

۱-۲) فراوانی کاربرد

فرمان بگو در قرآن، بر حسب گزارش و استخراج محمد فؤاد عبدالباقی (فؤاد عبدالباقی، ۱۳۶۴ق: ۵۷۱-۵۷۵)، سید و سی و دو مورد آمده است. این فرمان به سه صورت «و قل» (۱۸ مورد)، «فقل» (۲۱ مورد) و مطلق «قل» (۲۹۳ مورد) و در ۵۷ سوره قرآن و ۲۹۱ آیه به کار رفته است. در این میان، دو فرمان بگو، به حضرت نوح (ع) خطاب شده است (مؤمنون/۲۸ و ۲۹) و یک مورد نیز در امر به حضرت موسی آمده است (نازعات/۱۸). بقیه موارد (۳۲۹ مورد) دستور قل به پیامبر گرامی اسلام (ص) است.

سهم سور مکی در کاربرد قل، ۲۲۷ مورد و سهم سور مدنی کمتر از نصف موارد سور مکی یعنی ۱۰۲ مورد است. بیشترین کاربرد «قل» در سوره مکی انعام با ۴۴ مورد و پس از آن، به ترتیب سوره‌های یونس با ۲۴ مورد، آل عمران با ۲۳ مورد و اسراء با ۲۱ مورد

بیشتری به میان می‌آید. سوره‌های ۳۸ تا ۶۳، دارای ۴۸/۲٪ کاربرد قرآنی قل یعنی ۱۵۹ موردند. «قل» در سوره‌های ۶۴، ۶۷، ۶۸ و ۷۱ نیامده است. در سوره‌های ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۲ تا ۷۵، کاربرد قل ۳۹ مورد (برابر ۱۱/۷٪) است. در میانه نزول، یعنی از سوره هفتاد و شش تا صد و دو، تعداد سوره‌های فاقد قل بیشتر می‌شوند. در این میان تنها سوره‌های ۷۷، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۷ تا ۹۰، ۹۲، ۹۶ دارای کاربرد قل هستند و آنها شامل ۳۲ مورد قل (برابر ۹/۲٪) می‌شوند. در میان سوره‌های واپسین نزول تنها سه سوره ۱۰۵، ۱۰۸ و ۱۱۱ فاقد قل هستند و بقیه سور دارای ۳۸ مورد (۱۲٪) قل هستند. سوره‌ای که بیشترین کاربرد قل را داراست، سوره مکی انعام است که در ترتیب نزول، پنجاه و پنجمین سوره است.

بر پایه آماری که گزارش شد، فرمان بگو، یعنی واژه قل، در ابتدای نزول قرآن و سوره‌های آغازین نیامده است (۱۷ سوره نخست). تعداد قل در سوره‌های نازل شده در ردیف ۱۸ تا ۳۷ بسیار کمتر و در حدود ۱/۲٪ کاربرد قل در قرآن است. بیشترین کاربرد قل در سوره‌هایی است که در دوره میانی نزل فروآمده‌اند. در آخرین سوره‌های قرآن (۱۱۲ تا ۱۱۴) نیز قل وجود دارد. این واقعیت تایخی نیازمند به تبیین است.

۳) ساختار شش‌بخشی خطاب قل

وحی به مثابه پیام خدا، ارتباط کلامی خدا با انسان به واسطه نبی (ص) است. به همین جهت همه قرآن "قول" است وقتی در ارتباط کلام خدا با انسان «قل» به کار می‌رود، این ارتباط ساختار شش‌بخشی می‌یابد. زیرا در این ارتباط شش عنصر وجود دارد: (۱) خداوند به (۲) نبی خود (۳) با لفظ قل فرمان می‌دهد و او را مأمور می‌سازد تا (۴) سخن وی را به (۵) عده‌ای بگوید. بود و نبود قل در رساندن پیام خدا یکسان نیست پس آمدن

۲-۳) توزیع کاربرد قل در ترتیب مصحف

نخستین کاربرد قل در ترتیب مصحف، در آیه ۸۰ سوره مدنی بقره و در خطاب با یهود است. همه سور در ۲۵ جزء نخست قرآن دارای قل با ۲۹۱ مورد یعنی ۸۷/۵۶٪ کاربرد قل در قرآن هستند، تنها سوره حمد در جزء نخست و سوره دخان در جزء ۲۵ فاقد قل هستند. «قل» در جزء ۲۶ تنها در سه سوره محمد (مدنی) و ق و ذاریات (هر دو مکی) نیامده است، چه سوره حمد را نخستین سوره نازل شده بدانیم و چه سوره علق را آغاز نزول تلقی کنیم. نبود «قل» در سوره‌های جزء ۲۷ تنها در چهار سوره نجم (مکی)، قمر (مکی)، رحمن (مدنی) و حدید (مدنی) است. کاربرد قل در جزء ۲۸ به دو سوره مدنی جمعه و تغابن اختصاص دارد. ۱/۲٪ کاربرد قرآنی قل در جزء ۲۸ است. «قل» در جزء ۲۹ تنها در دو سوره مکی مُلک و جن آمده است و آن شامل ۳/۳٪ کاربرد قرآنی قل می‌شود. کاربرد قل در جزء ۳۰ شامل ۱/۲٪ است و به چهار سوره مکی و مصدر به قل (کافرون، اخلاص، فلق و ناس) اختصاص دارد. بیشترین کاربرد قرآنی قل در جزء هفتم شامل ۳۲ مورد و تقریباً ۱۰٪ و کمترین آن در دو جزء ۱۴ و ۲۷ با دو مورد (۰/۶٪) است.

۲-۴) توزیع کاربرد قل در ترتیب نزول

فرمان قل در هفده سوره نخست قرآن در ترتیب نزول نیامده است. نخستین کاربرد قل را در سوره هجدهم (کافرون) می‌توان دید. قل در سوره نوزدهم نیز نیامده است، اما سه سوره ۲۰، ۲۱ و ۲۲ (اخلاص، فلق و ناس) با قل می‌آغازند. بنابراین نخستین کاربردهای قرآنی قل، آغازیدن چهار سوره با قل است.

در ترتیب نزول تا پایان سوره ۳۷ تنها همین چهار مورد از کاربرد قل وجود دارد که شامل ۱/۲٪ کاربرد قرآنی قل می‌شود. از سوره ۳۸ به بعد قل با فراوانی

بسیار گوناگون، مانند دعا، بشارت، توصیه اخلاقی، پاسخ به پرسش فقهی و کلامی، جواب به خرده‌گیری و بهانه‌آوری منکران، مقابله با شبهه‌افکنی، اعلام موضع، انذار و تهدید است. این گوناگونی تابع عنصر پنجم در خطاب با قل است.

ششمین عنصر، نقشی است که خطاب با قل در پیام و سخن [عنصر پنجم] به وجود می‌آورد. آن را برای تمایز از پیام، فرایم می‌خوانیم. به‌عنوان نمونه در سوره کافرون که برخی از عناصر قل را در خطاب با قل در آن اشاره کردیم، اینکه «نمی‌پرستم آنچه می‌پرستید و نه شما پرستندگانید آنچه را می‌پرستم و نه من پرستنده‌ام آنچه را که شما می‌پرستیدید و نه شما پرستندگانید آنچه را می‌پرستم و برای شما دین شما و برای من دین من»، پیام قل است چرا این پیام با قل آمده است. آیا آمدن قل نقش انذار و تهدید [عنصر ششم] دارد؟ بر مبنای برخی از مفسران (نک، همان) فرمان قل برای آن است که مخاطبان متوجه شوند که نبی تنها واسطه ابلاغ است و نظر و مصلحت شخصی او در اجرای این امر دخالت ندارد و تا یکسر امیدشان از هرگونه سازشکاری درباره یگانه‌پرستی قطع شود. قطع امید کردن کافران [مخاطبان پیام قل در این سوره] از هرگونه سازش در قطع امری فراتر از پیام قل است و البته آمدن قل آن را نیز همانند پیام می‌رساند و آن را فرایم قل می‌خوانیم. گاه فرایم تأکید است و گاه حرمت نهادن و ... دلالت آیه بر پیام، دلالت زبانی (لفظی) است اما دلالت قل در آیه بر فرایم، دلالت عقلی است.

تنها در سه آیه قرآنی چهار عنصر (مأمور به قل، لفظ قل، مخاطب پیام قل و پیام قل) به صراحت آمده است (انفال/۷۰؛ احزاب/۲۸ و ۵۹) و در بقیه موارد یا عنصر دوم یعنی مأمور به قل حذف شده است (۳۲۹ مورد) و یا عنصر مخاطب به‌عنوان نیامده است. برای

قل در این ارتباط کلامی (۶) فرایمی را به میان می‌آورد و آن تأثیر معنایی قل در دو عنصر سخن و پیام و مخاطب سخن (۴ و ۵) است.

عنصر نخست، صاحب سخن و امرکننده به قل، در همه کاربردهای قرآنی قل، خداوند متعال است. اما مصداق در سایر عناصر، گوناگون‌اند. عنصر دوم، کسی که مأمور گفتن پیام است، چنانچه اشاره شد، در دو مورد حضرت نوح (ع) (مؤمنون/۲۸ و ۲۹) و در یک مورد حضرت موسی (ع) (نازعات/۱۸) است و در بقیه موارد، پیامبر گرامی اسلام (ص) است. در میان ۳۲۹ مورد فرمان قل به پیامبر اسلام (ص) تنها در سه مورد از وی به صورت منادی، صریحاً یاد شده است. عنصر سوم نیز چنانچه بیان شد به سه صورت «فقل»، «و قل» و «قل» آمده است.

چهارمین عنصر در قل، مخاطب پیام آن است، یعنی کسی که نبی مأمور رساندن سخن خدا به اوست. مخاطب امر قل، پیامبر گرامی (ص) است (عنصر دوم) اما پیامبر باید به کسی خطاب کند تا مضمون قل را برساند و این عنصر چهارم است و آن در واقع مخاطب مخاطب قل است و هدف از قل، خطاب به اوست. این عنصر را مخاطب پیام قل می‌خوانیم تا از مخاطب امر قل (مأمور به گفتن) متمایز گردد. به‌عنوان نمونه در آیه قل یا ایها الکافرون (کافرون/۱) امر قل فرمان اعلام از جانب خداوند [عنصر اول] است تا مخاطبین و کافرین [عنصر پنجم] متوجه شوند که آن حضرت واسطه ابلاغ است [عنصر دوم] ... (طالقانی، ۱۳۴۵: ۲۸۲/۱).

عنصر پنجم، مفاد یا مضمون سخن خدا است که نبی فرمان می‌یابد آن را به عده‌ای بگوید. این مضمون یا مقول قول را پیام می‌خوانیم. پیام خدا یا با قل همراه است یا نه، صورت نخست را که مورد بحث ماست، پیام قل می‌خوانیم. پیام در کاربرد قرآنی قل صورت‌های

استفاده از ندای «یا» است، مانند قل یا اهل الکتاب (موارد فراوان) و گاهی با ندای «یا ایها» است، مانند قل یا ایها الکافرون، قل یا ایها الناس.

دو، گاه پس از قل، مخاطب پیام قل به صراحت نمی‌آید اما قل در جواب سؤال یا ادعایی می‌آید که قرآن دو گزارش آن ادا و سؤال، در همان آیه و یا در آیه پیشین به مخاطب (صاحب ادعا و سؤال) اشاره کرده است. توجه به قبل از «قل» نشان می‌دهد که مخاطب پیام قل کیست، مانند سیقول السفهاء من الناس ... قل (بقره/۱۴۲) و مانند و قالت طائفه من اهل الکتاب ... قل (آل عمران/۷۲ و ۷۳).

سه، در موارد فراوانی نه پیش از قل و نه پس از قل به مخاطب پیام قل اشاره‌ای نشده است مانند قل اعوذ برب الفلق. در این حالت شناختن مخاطب پیام قل به ابزارهای تفسیری، استفاده از تحلیل سیاق، اسباب نزول، روایات و سایر ادله و قراین نیازمند است. چنین مواردی از حیث ابهام یکسان نیستند و استقصای کامل مخاطبان پیام قل در همه کاربردهای قرآنی قل نیازمند به پژوهش مستقل است.

۴-۲) گوناگونی در مصداق

مخاطب پیام قل مصداق‌های فراوان دارد. در یک مورد که فرمان قل به حضرت موسی (ع) است، مخاطب پیام قل فرعون است (نازعات/۱۸) و در دو مورد که فرمان بگو به حضرت نوح (ع) است، مخاطب پیام قل خود آن حضرت است (مؤمنون/۲۸ و ۲۹). در موارد خاصی مخاطب پیام قل، خود پیامبر گرامی اسلام (ص) است. صرف نظر از این موارد، در هیچ کاربرد قرآنی قل، مخاطب پیام قل، شخص خاص (امر جزئی منطقی) نیست بلکه مخاطب، کلی (صنف و گروه معین) است. در همه این موارد، اگر به مخاطب اشاره‌ای شده است، عنوان کلی توصیف‌کننده (و نه اسم خاص ارجاع‌کننده

نمونه یکی از سه آیه یادشده را ملاحظه می‌کنیم و عناصر شش‌گانه در ساختار خطاب با قل را نشان می‌دهیم. در آیه ۷۰ سوره انفال

(۱) خداوند می‌فرماید: [عنصر نخست، فرمان‌دهنده به قل و صاحب پیام که به دلالت التزامی آمده است].

(۲) یا ایها النبی! [عنصر دوم، مأمور به فرمان قل]

(۳) قل [عنصر سوم، امر بگو]

(۴) لمن فی ایدیکم من الأسری [عنصر چهارم، مخاطب پیام قل]

(۵) إن ینعلم الله فی قلوبکم خیراً یؤتکم لماً أخذ منکم ینغفر لکم و الله غفورٌ رحیم ... [عنصر پنجم یا پیام

قل] که در آیه بعدی نیز ادامه می‌یابد.

(۶) عنصر فرایم نام نشان دادن این است که طرف حساب کنش وفادارانه و یا خائنانه آنان فراتر از شخص نبی (ص) و مسلمانان، یعنی خود خدا است. این گفتگوی نزدیک خدا با اسیران آنان را نسبت به دعوت نبی جدی‌تر می‌نماید.^۱

۴) گوناگونی مخاطب پیام قل

مخاطبان پیام قل در کاربرد قرآنی، هم از جهت تعبیر از آنان و هم از جهت مصداق گوناگون‌اند. ۴-۱) گوناگونی در تعبیر خطابی

مخاطبان پیام قل از جهت دلالت آیه بر آنان یا آشکارند و یا بیش و کم پنهان، زیرا دلالت آیه بر مخاطب پیام قل به لحاظ وضوح و ابهام سطوح مختلفی دارند: یک، گاه پس از قل به صراحت از مخاطب آن سخن رفته است و آیه روشن می‌کند که پیامبر به چه کسی یا صنفی بگوید. نشان دادن مخاطب پیام قل پس از لفظ قل یا با استفاده از لام تبلیغ است، مانند قل لعبادی (اسراء/۵۳) و یا با

^۱ جستجو از فرایم نام در هر یک از خطاب‌های قل (در ۳۳۲ مورد) نیازمند به پژوهش مستقل دیگری است.

نمی‌شود که سخن را به کسی بگویند بلکه پیامی با «قل» به خود او رسانده می‌شود. این امر به معنای امتناع استناد به آیه و یا نفی استفاده از مفاد آیه نیست.

در غالب مواردی که خود نبی (ص) مخاطبِ قل قرار می‌گیرد، امر به بگو به لحاظ لفظی با پیشوند «واو» یا «فاء» (و قل یا فقل) می‌آید. مفاد چنین پیامی اخبار و یا پاسخ به سؤال نیست بلکه یکی از موارد زیر است:

- شیوه خاصی از سخن گفتن: وَ قُلْ لَهَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء/۲۳)

- دعا برای پدر و مادر (اسراء/۲۴)

- نیایش یکی از مواضع کاربرد «قل» در قرآن است و آن شامل خطاب‌های غیر متعدی قل می‌شود. واژه متعدی را در اینجا به معنای مقابل لازم به کار نمی‌بریم بلکه مراد تعدی یا عدم تعدی خطاب از نبی به غیر نبی است. گفتار نیکو و یا مؤثر از دیگر مواضع کاربرد قرآنی قل است.

- دعا در خصوص خود (اسراء/۸۰ و مؤمنون/۲۹) همانند خطاب به حضرت نوح (ع) (مؤمنون/۱۱۸)

- دستور پناه‌آوری به خدا (مؤمنون/۹۷، فلق و ناس)

- ستایش و نیایش خدا (زمر/۴۶ و مانند آن).

۲-۵) همسران و دختران پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز مورد خطاب با قل قرار می‌گیرند (احزاب/۲۸ و ۵۹). در هر دو مورد پیام قل، بیان تکالیف شرعی (فقهی) و توصیه اخلاقی است. فرایم در این خطاب نشان دادن حاکمیتِ اوامر و نواهی الهی بر خود پیامبر و همسران اوست و اینکه این توصیه‌ها خواست شخصی نبی نیست. بیان وظایف شرعی و بایدهای اخلاقی سومین موضع کاربرد قل است که محدود به همسران و دختران پیامبر نیست.

۳-۵) مسلمانان در موارد فراوانی مخاطب پیام قل واقع شده‌اند. جامعه مسلمانان شامل گروه‌های گوناگونی

به شخص آمده است. گاهی یک گروه به تنهایی و گاهی دو یا چند گروه به صورت جمع مخاطب پیام قل قرار می‌گیرند.

گروه‌های مخاطب عبارتند از:

همسران نبی، همسران نبی، دختران نبی و همسران مؤمنان، مؤمنان (به صورت مطلق)، مؤمنان و مؤمنات (مردان و زنان اهل ایمان)، عبادی (بندگانم)، قوم و امت نبی (ص)، پشت‌کنندگان به جهاد (قاعدان و مخلفون)، روی‌گردانان از وحی، کافران و مشرکان، یهود، یهود و نصاری، اهل کتاب، سفیهان، طاغیان، ظالمان، بنی اسرائیل، منافقان، اسیران بدر

۵) نسبت بین پیام قل و مخاطب آن

بین پیامی که با قل به میان می‌آید و مخاطبان آن پیام نسبت معناداری در همه کاربردهای قرآنی قل وجود دارد. تحلیل این نسبت در هر یک از اصناف مخاطب قل نیازمند به پژوهش مستقلی است، در اینجا به بیان کوتاه بسنده می‌کنیم. در این گزارش نشان می‌دهیم که ساختار لفظی خطاب با قل نیز مخاطبِ قل و پیام آن نسبت معناداری دارد. با تحلیل این نسبت می‌توان از موارد کاربرد قل به مواضع آن دست یافت (نک: ادامه مقاله).

۱-۵) گاهی مخاطب پیام قل، خود پیامبر گرامی اسلام است. برخلاف آنچه عده‌ای گفته‌اند که امرهای قل فرمان‌هایی است از جانب خداوند به پیغمبر اکرم (ص) که به عنوان مقام نبوت باید به دیگران اعلام شود تا دیگران به مضمون مورد فرمان آگاه شوند. شایسته مقام نبوت و فرمان‌های ابدی قرآن نیست که گفته شود این اوامر راجع به زندگی خصوصی پیامبر اکرم (ص) یا دستور ذکر و عددی باشد که به زبان آورده شود (طالقانی، ۱۳۴۵: ۳۰۶)؛ در مواردی هم فرمان قل به نبی (ص) است و هم پیام قل به آن حضرت است. این‌گونه خطاب‌ها متعدی نیستند یعنی به پیامبر گفته

در مواردی سؤال مؤمنان، به اموری در جهان بر می‌گردد. در بین این آیات پرسش‌های انسان‌شناختی، جهان‌شناختی، هستی‌شناختی و اجتماعی را به میان می‌آورند. مانند پرسش از روح، اهله، قیامت، ذی‌القرنین. عده‌ای علاوه بر تقسیم سؤال مؤمنان به دو قسم یادشده یعنی سؤال‌های تکوینی و تشریحی، آنها را از جهت مدخلیت انگیزه سؤال‌کننده نیز تقسیم می‌کنند: پرسش‌های صرفاً علمی و استنفهامی محض که سؤال‌کننده انگیزه‌ای جز معرفت‌یابی ندارد و پرسش‌هایی برخاسته از انگیزه‌های شخصی. (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۵۵/۳۲). پاسخگویی به پرسش‌های مومنان در امور هستی‌شناختی، موضع پنجم خطاب قل است.

خطاب‌های مسبوق به پرسش مؤمنان با خطاب‌های مسبوق به پرسش کافران، اختلاف در ساختار لفظی گزارش سؤال وجود دارد. زیرا در قسم نخست سؤال با یسألونک و یستفتونک گزارش می‌شود و در قسم دوم سؤال با یقولون، قالوا و یستنبئونک گزارش می‌شود. عده‌ای از مفسران یسألونک را به معنای یسألونتی دانسته‌اند (همان: ۵۷/۳۲)، این سخن اگرچه در تفسیر یسألونک عن الانفال آمده است اما شامل همه پرسشهایی می‌شود که جواب آنها با قل می‌آید. خطاب قل مسبوق به پرسش مؤمنان در ساختار بیان شده شامل ۱۶ مورد (۵٪ کاربرد قرآنی قل) است.

گاهی پیام قل جواب انگاره‌ای در میان مسلمانان است. در چنین مواضعی قل مسبوق به یسألونک و یا یستفتونک نیست بلکه مسبوق به گزارش انگاره با واژه قال و مانند آن است. چنین اسلوبی را در خطاب قل با گروه مخالف (از کافران و مشرکان تا منافقان) نیز می‌بینیم. نمونه آن گزارش انگاره اعراب است که می‌پنداشتند ایمان آورده‌اند: قالت الاعراب امنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا أسمعنا ... (حجرات/۱۴). گاهی پیام

است و به تبع آن گوناگونی، پیام قل نیز گوناگون است. گاهی پیام قل بشارت الهی بر مؤمنان راستین است: و إذا جاءك الذين آمنوا بآيتنا فقل سلام عليكم كتب ربكم على نفسه الرحمة ... (انعام/۵۴). گاهی تعبیر صمیمی بندگانم، پیام بشارت و امید، مؤمنان خطاکار را می‌نوازد: قل یا عبادي الذين أسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ... (زمر/۵۳). فرایم در این‌گونه خطاب‌ها ترغیب به اصلاح نفس است.

گاهی پیام قل، توصیه‌ای اخلاقی و یا دستوری فقهی به ایمان‌آوردگان است (نور/۳۰ و ۳۱) و در مواردی اصل کلی پیام قل قرار می‌گیرد تا بر اساس آن توصیه اخلاقی و فرمان فقهی ضمانت اجرایی پیدا کنند: قل لا یستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبت کثره الخبیث فاتقوا الله یا اولی الالباب لعلکم تفلحون (مائده/۱۰۰). فرایم در چنین خطابی، ترغیب مؤمنان به خودآگاهی و بصیرت درونی در یرتو مطالعه استوار بر مقایسه است.

در مواردی خطاب قل با مؤمنان مسبوق به پرسش آنان و در مقام جواب به آن پرسش است. ساختار لفظ خطاب با قل در این موارد گزارش سؤال با تعبیر یسألونک (و در دو مورد فقهی یستفتونک) و بیان جواب در همان آیه با قل است. در دو مورد یستفتونک پاسخ به صورت قل الله یفتیکم آمده است (نساء/۲۷ و ۱۷۶). این سؤال‌ها گوناگون‌اند. گاهی مؤمنان در مقام مشخص شدن تکالیف شرعی و یا بایدهای اخلاقی خود، می‌پرسند. موضوعاتی چون میگساری، قمار، کارزار در ماه حرام، ایتم، محیض، ارث، انفال و حلال و حرام امور مورد سؤال قرار می‌گیرند و خداوند عین سؤال و جواب آن را در فضای گفتگوی نزدیک و صمیمی بیان می‌کند. چهارمین موضع به کار رفتن قل پاسخگویی به پرسش فقهی و اخلاقی مومنان است.

(ص) در مدینه فعالیت می‌کردند. تعداد فراوانی از کاربرد قرآن قل، گزارش دیدگاه، شبهات، ادله، پرسش‌ها و عملکرد آنان در قالب قالوا (و سایر مشتقات قول) و پاسخ به آنها و اعلام موضع در قبال آنان است. نخستین کاربرد قرآنی قل در ترتیب مصحف (بقره/۸۱) در خطاب با یهود است. پیام قل در خطاب با یهود، نصاری و اهل کتاب شایسته بررسی مفصل و مستقل است. از مواضع عمده کاربرد قرآنی قل، رد انگاره‌ها، افشای توطئه‌ها، انذار، پاسخ به خرده‌گیری و شبهات کلامی یهود به ویژه در باب نبوت و قرآن است (موضع ۸). این موضع خود شامل مواضع فراوانی است که در اینجا به بیان برخی مواضع بسنده می‌کنیم:

یک، جواب حصرگرایی و نجات شناختی. یهود، به گزارش قرآن، چنین می‌پنداشتند که سرای آخرت نزد خدا، مخصوص آنان است. قرآن در ردّ انگاره آنان استدلالی بر صورت قیاس استثنایی رفع قالی و بر پایه مرگ‌هراسی به‌کار می‌برد: قل إن کانت لکم الدارُ الاخره عندالله خالصه من دون الناس فتمنّوا الموت ان کنتم صادقین (بقره/۹۴). رفع قالی این استدلال در آیه بعد آمده است. در ادامه مرگ‌هراسی یهود بر پایه عملکرد آنان و حرص و دنیازدگی آنان تبیین می‌شود. پندار حصرگرایانه ورود به بهشت در موضع دیگر به‌عنوان باور یهود و نصاری گزارش می‌شود و با تأکید بر اینکه چنین باوری جز آرزویی بی‌اساس نیست، با خطاب قل از آنان خواسته می‌شود تا بر اعدای خود برهان آورند (بقره/۱۱۱). فرایم در این خطاب تمایز باور بی‌اساس و ناشی از آرزو از معرفت یا باور موجه مطابق با واقع است. توجه به این تمایز می‌تواند وجدان علمی آنان را از ردیلت معرفتی (علم پنداری آرزو) رها سازد.

دو، برخی از یهود می‌پندارند که آتش آنان را فرامی‌گیرد. این پندار مصونیت از عذاب الهی در قرآن

قل جواب رفتار خاص نزد برخی از مسلمانان است. مانند یمنون علیک ان أسلموا قل لا تمنّوا علیّ اسلامکم بل الله یمنّ علیکم ان هدیکم للایمان ان کنتم صادقین (حجرات/۱۷). نقد انگاره برخی از مسلمانان موضع ششم کاربرد قرآنی قل است.

۴-۵) پشت‌کنندگان به جهاد، گروهی سست ایمان از مسلمانان هستند که مخاطب پیام قل واقع شده‌اند. خدای گفتگو، با مخلوق و قاعدین نیز سخن می‌گوید. پیام قل در این مواضع تحلیل انگاره‌ها و انگیزه‌ها، استدلال رهگشا، تمایز دادن بین علت و بهانه، انذار و تهدید است چنانچه در دو آیه ۷۶ و ۷۷ سوره نساء پس از گزارش وضعیت روحی آنان، ترسشان از مردم به جای ترس از خدا، اعتراض آنان به فریضه جهاد به بیان روشنگر می‌فرماید: متاع دنیا ناچیز است و آخرت برای کسی که تقوی کند نیکوتر است. پس گفتگوی مستدل و روشنگر ادامه می‌یابد و در خطاب به آنان می‌فرماید: قل کل من عندالله فمال هولاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثاً. فرایند گفتگو تا آنجا ادامه می‌یابد که امیدی به تفقه آنان در سخن از بین می‌رود. نمونه دیگر در سوره توبه است که شامل انذار، جواب عذرآوری و بهانه‌جویی، افشای ردیلت ترس و هشدار است (آیات ۸۱، ۸۳ و ۹۴). نمونه دیگر در سوره فتح آمده است که شامل پاسخ به بهانه‌جویی آنان است (آیات ۱۱، ۱۵ و ۱۶). این هر سه سوره (نساء، توبه و فتح) مدنی‌اند و ساختار گزارش انگاره آنان به صورت قالوا، یعتذرون و ... است که در پی آن قل می‌آید. آگاهی بخشی و هشدار به پشت‌کنندگان به جهاد، هفتمین موضع کاربرد قرآنی قل است.

۵-۵) یکی از مواضع پیام قل به یهود، نصاری و به‌طورکلی اهل کتاب برمی‌گردد. آنان به‌عنوان بخشی از جبهه مخالف و کارشکن در دعوت پیامبر گرامی اسلام

با «قالوا» گزارش و با خطاب قل نقد می‌شود (بقره/۸۰) و سپس ملاک‌های عام برای بازشناختن اهل آتش از اهل بهشت ارایه می‌شود (بقره/۸۱).

سه، یهود حصرگرایانه خودشان را دوستان خدا می‌پندارند. خداوند با خطاب قل پندار آنان را بر پایه استدلال استوار بر مرگ‌هراسی نقد و دروغین بودن آن را آشکار می‌کند (جمعه/۵). این استدلال نیز به شکل قیاس استثنایی رفع قالی است و رفع قالی آن (مرگ‌هراسی یهود) بر اساس کنش و دست‌آوردشان تبیین می‌گردد و خطاب با انذار به پایان می‌رسد. پندار یهود و نصاری در دوستی و فرزند بودن برای خدا، در موضع دیگر گزارش و با استدلال به شکل قیاس استثنایی رفع قالی مرخم و بر پایه اهل عذاب شدن آنان به سبب بیان‌هایشان و نیز بر پایه نفی هرگونه محیض قومی و تمایز آنان از دیگر مخلوقات رد می‌گردد (مائده/۱۸).

چهار، صداقت یهود در ایمانشان به آنچه بر این قوم نازل شده است، موضوع خطاب دیگر با آنان است. «قل فلم تقتلون انبیاء الله من قبل ان کنتم صادقین» با ارجاع به عملکرد تاریخی این قوم، دروغین بودن ادعایشان افشا می‌گردد (بقره/۹۱).

پنج، پندار حصرگرایانه یهود در خصوص یهودی یا نصاری‌انگاری پیامبرانی چون ابراهیم (ع)، اسماعیل (ع)، یعقوب (ع) و اسباط (ع) با خطاب قل گزارش و نقد می‌شود و خطاب با انذار به پایان می‌رسد (بقره/۱۴۰). تمایز پندار و علم در همین خطاب نیز به صورت فرایم نامنتقل می‌شود.

شش، خطاب دیگر پاسخ محاجه یهود با رسول خدا (ص) در خصوص عرب بودن رسول خدا است. این نکته قابل توجه است که پندار یهود بر قوم‌گرایی استوار است (بقره/۱۳۹).

هفت، یهود در احکام الهی دست می‌برد و امور حلال را حرام می‌کند. قرآن در خطاب با قل از آنان سند شرعی از تورات می‌خواهد (آل‌عمران/۹۳) و در آیه بعد ستمگرانه بودن دروغ بستن به خدا را یادآور می‌شود.

هشت، برخی از نصاری، مسیح بن مریم (ع) را خدا می‌پنداشتند. قرآن با گزارش این باور کفرآمیز، استدلالی را بر پایه فناپذیری مسیح بن مریم و مادرش و هر آنچه غیر خدا است (به خواست خدا) می‌آورد. (مائده/۱۷).

نه، مواضع فراوان دیگری از خطاب با یهود وجود دارد که شامل هشدار، انذار، افشای رفتار کینه‌ورزانه و بازداشتشان از راه خدا است. آیه معروف مباهله (آل‌عمران/۳۲) نیز در خطاب قل به اهل کتاب و پاسخ محاجه آنان است.

غالب آیات خطاب قل به اهل کتاب، یهود و نصاری سوره‌های آغازین در ترتیب مصحف (از بقره تا مائده) اند. در میان سوره‌های متأخر، سوره جمعه دارای خطاب قل به یهود است. همه سوره‌ها در این خطاب، مدنی‌اند.

۵-۶) کافران و مشرکان مخاطب پیام قل در موارد فراوان‌اند. آنان در مکه جبهه مخالف با رسالت نبی (ص) را تشکیل می‌دادند. این‌گونه خطاب‌ها که غالباً در سوره‌های مکی آمده‌اند، مواضع گوناگون دارند. غالب آیات با گزارش دیدگاه و کنش آنان به صورت قالوا و مانند آنها، به نقد و پاسخ می‌پردازند. در مواردی گزارش مسبوق به «قالوا» نیست و پیام آیه به انذار، تهدید و یا اعلام موضع است. بیشترین موارد کاربرد قل در خطاب با کافران در سوره مکی انعام آمده است. در مواردی پیام قل دعوت به مطالعه و تفکر در عاقبت تکذیب‌کنندگان است (انعام/۱۱) و گاهی گفتگوی از نزدیک و هدایتگر با خطاب مکرر قل در آیه واحد

کاربرد قرآنی قل، گفتگویی درون‌ذهنی برای کافران ایجاد می‌کند تا با فعال‌سازی وجدان و بیداری فطرت آنان را به ایمان خدا فراخواند (موضع دهم) گاهی سؤال کفار که جنبه استفهامی دارد با قالوا و یا با یستنونک (و نه یسالونک) طرح و با قل پاسخ داده می‌شود.

۵-۷) منافقان، جریان مخالف در درون جامعه اسلامی نیز مخاطب پیام قل قرار می‌گیرند. این گفتگوها در سوره‌های مدنی آمده است. گاهی پیامبر (ص) دستور می‌یابد که با آنان به گفتار بلیغ سخن بگوید (نساء/۶۳)، گاهی پیام قل جواب سوگند منافقانه آنان و افشای نفاقشان است (نور/۵۳) و در آیه بعدی، هشدار، دعوت به طاعت و روشن‌گری پیام قل قرار می‌گیرد. در سوره مدنی احزاب توطئه و انگاره منافقان و همدستی آنان با کفار افشا می‌شود و علت پشت کردن آنان به جهاد، مرگ‌هراسی و ترسویی آنان اعلام می‌گردد و در خطاب دیگر با قل، گفتگو جهت بیدارباش می‌یابد: اگر خدا به شما اراده بلا و شر کند و یا اراده لطف و رحمت کند، چه کسی از اراده خدا مانع می‌شود (احزاب/۱۶ و ۱۷).

بیشترین گفتگو با منافقان در سوره مدنی توبه آمده است: ماجرای ترس آنان از مرگ که ناشی از بی‌ایمانی آنان در باطن است و توطئه‌های آنان به تفصیل در دو آیه ۴۵ و ۵۰ گزارش می‌شود و آنگاه در دو آیه مصدر به قل خطاب شکل هدایت و انذار می‌یابد. و در آیه دیگری نیز بیان می‌شود که انفاق شما (چه اجباری و چه اختیاری) به سبب فسقِ نفاق پذیرفته نیست و دو آیه دیگر سر آن تبیین می‌شود. در آیه ۶۱ سوره توبه، آزار آنان نسبت به نبی (ص) و زودباور پنداشتن نبی گزارش و جواب داده می‌شود. پیام غالب خطاب‌ها به منافقان، افشاکاری باطن نفاق‌آمیز آنان، انذار و تهدید است.

تحقق می‌یابد (انعام/۱۹). رد خرده‌گیری و اشکال‌های کافران بویژه شبهات آنان در مسأله معاد از مواضع کاربرد قرآنی قل است (موضع ۹).

یکی از مواضع قل در خطاب با کافران، مسأله نبوت است. گاهی خرده‌گیری آنان و تهمت اینکه قرآن وحی خدا نیست و بر ساخته نبی (ص) است گزارش و نقد می‌شود (یونس/۳۵؛ هود/۱۲ و ۱۳؛ اسراء/۸۸). مفسران در تفسیر اینکه آیا در این آیات مخاطب پیام، کافران به معنای مشرکان است یا یهودیان از آن حیث که نبوت و قرآن را انکار می‌کنند، اختلاف نظر دارند. قول به عمومیت اولی است مگر قرینه مخصص در میان باشد. در چنین موضعی پاسخ تحدی به قرآن است. گاهی خطاب قل، جواب به خرده‌گیری کافران در درخواست معجزه است (رعد/۱۶؛ طه/۱۳۵؛ عنکبوت/۵۰) و گاهی انکار رسالت پیامبر گرامی موضوع گفتگو است (رعد/۴۳) و خرده‌گیری آنان در اینکه چرا پیامبران ملک نیستند در موضع دیگر پاسخ داده می‌شود (اسراء/۹۵). به هر روی مسأله نبوت و قرآن از مهم‌ترین مواضع کاربرد قرآنی قل است.

دومین موضع عمده، در خطاب قل با کافران، معاد است. گزارش انگاره، سؤالها و شبهات آنان با «قالوا» و مانند آن، ارایه پاسخ مستدل و رهگشا در موارد فراوانی آمده است (اسراء/۵۰ و ۵۱؛ نمل/۶۹، ۷۲ و ۹۲؛ سبأ/۳ و ۳۰؛ یس/۷۹؛ صافات/۱۸ و ملک/۲۶).

گفتگوی با کافران و مشرکان در خصوص خدا و توحید گونه‌ای دیگر است. در موضعی، بیان استدلالی در نفی تعدد الله، پیام قل قرار می‌گیرد (اسراء/۴۲). اما غالباً گفتگویی با خطاب مکرر قل، طرح سؤال‌های برانگیزنده فطرت و ارایه جواب سؤالها، تلاش برای روبرو کردن آنان با فطرت است (یونس/۳۱، ۳۶؛ رعد/۱۶؛ قصص/۷۱ و ۷۲؛ فصلت/۹). این موضع از

۵-۸) ناس یا انسان‌ها به‌طور کلی نیز مخاطب به پیام قل قرار می‌گیرند. چنین خطابی در واقع گفتگوی جهانی و ارایه رسالت جهانی اسلام است. بیشترین کاربرد قل در خطاب به ناس در سوره مکی یونس (سه مورد) آمده است. دو مورد دیگر در سوره مدنی حج (آیه ۴۸) و نیز سوره مکی انعام (آیه ۱۰۸) وجود دارد. در آیه ۶۳ سوره احزاب پیام قل به لفظ برای ناس آمده است اما مراد از آن گروهی از مردماند که درباره معاد می‌پرسند. اعلام جهانی رسالت پیامبر گرامی (ص) یکی از مواضع عمده در کاربرد قرآنی قل است (موضع ۱۲).

۶) مواضع کاربرد قرآنی قل

بر پایه آنچه بیان شد، کاربرد قرآنی قل را می‌توان بر حسب حداقل یازده موضع عمده خطاب قل طبقه‌بندی کرد:

۱- نیایش

۲- گفتار نیکو و مؤثر

۳- بیان وظایف فقهی و اخلاقی مؤمنان

۴- پاسخگویی به مسایل و پرسش‌های فقهی و اخلاقی

مؤمنان

۵- پاسخگویی به مسایل و پرسش‌های هستی‌شناختی

مؤمنان

۶- نقد انگاره برخی مسلمانان

۷- آگاهی بخشی و هشدار به پشت‌کنندگان به جهاد

۸- رد انگاره، افشای توطئه، انذار و پاسخگویی به

خرده‌گیری و شبهات یهود بویژه در نبوت و قرآن.

۹- ایجاد گفتگوی درون‌شخصی برای کافران جهت

فعال‌سازی وجدان و فطرت آنان برای ایمان به خدا

۱۰- رد خرده‌گیری و اشکال کافران و مشرکان بویژه در

مسأله معاد.

۱۱- افشای نیات و توطئه‌های منافقان

۱۲- اعلام جهانی رسالت پیامبر گرامی اسلام (ص)

۷) پیشینه کاربرد قل در دعوت انبیاء

آیا خطاب با قل خاص وحی اسلامی است؟ بر اساس آیات قرآنی، کاربرد قل در خطاب خدا به انسان‌ها از طریق پیامبر، اختصاص به اسلام و زبان قرآن ندارد. زیرا در قرآن گزارش می‌شود که به موسی فرمان دادیم تا به سوی فرعون برو که سخت به طغیان رفته است، پس به او بگو آیا بر آن هستی که پاک و پاکیزه شوی (نازعات/۱۷ و ۱۸). آنچه امروزه از تورات مانده است، دارای کاربرد فرمان بگو است که از دو تعبیر استفاده شده است.

۷-۱. گاهی از این تعبیر استفاده شده است 728

که فعل امر است و به معنای بگو می‌باشد. این فعل این‌گونه خوانده می‌شود: اِمر. از جمله می‌توان به آیه ششم از بخش ششم کتاب خروج اشاره کرد:

«بنابر این بنی‌اسرائیل را بگو، من بیهوه هستم، و شما را از زیر مشقت‌های مصریان بیرون خواهم آورد، و شما را از بندگی ایشان رهایی دهم، و شما را به بازوی بلند و به داوری‌های عظیم انجام دهم.»

فعل ماضی این فعل عبارت است از اَمَرَ. البته آ به

سرعت تلفظ می‌شود. این فعل، ثلاثی مجرد است: 728

۷-۲. گاهی از این تعبیر استفاده می‌شود 727

که فعل امر است و به معنای بگو می‌باشد. این فعل این‌گونه خوانده می‌شود: دَبَّر. کسره باید مثل حرف «ر» در کلمه معارف کمی کشیده تلفظ شود. از جمله می‌توان به آیه دوم از بخش هفدهم کتاب لویان اشاره کرد: «هارون و پسرانش و جمیع بنی‌اسرائیل را خطاب کرده، به ایشان بگو: این است کاری که خداوند می‌فرماید و می‌گوید»

فعل ماضی این فعل عبارت است از دَبَّر. این فعل

شبهه باب تفعیل در زبان عربی است و در زبان عبری می‌گویند بر وزن پیعَل است. در این‌جا نیز کسره باید

۹) خدای گفتگو

فضای گفتگوی نزدیک خدا و انسان در ۳۳۲ کاربرد قرآنی قل بر پایه اعتقادی و کلامی استوار است و آن به اوصاف باری تعالی در آموزه‌های دینی برمی‌گردد. اوصاف خدا در ادیان آسمانی با نظریه فیلسوفان یونانی در اوصاف واجب الوجود تفاوت دارد. فیلسوفان بر اوصاف تنزیهی چنان حصرگرایانه تأکید می‌کنند که به الهیات سلبی می‌انجامند. اتین ژیلسون با نقد طنزآلود خداشناسی فیلسوفان یونانی می‌گوید: «شاید ما مجبور باشیم خدای ارسطو را دوست بداریم اما چه فایده، چون این خدا ما را دوست ندارد» (ژیلسون، ۱۳۷۴: ۴۳). رخنه اصلی در خداشناسی فلسفی یونانیان، ارتباط خدا و انسان است. الهیات سنتی مسیحی این رخنه را از طریق دو آموزه تجسد و تثلیث حل می‌کند با هزینه تعارض‌آمیز بودن تلقی از خدا. این رخنه در کلام اسلامی بر پایه تعالیم قرآن، سه صفت تکلیم^۱، سمع و بصر یعنی مکلم، سمیع و بصیر بودن خدا، رفع می‌گردد. هر سه صفت خدای گفتگو را معرفی می‌کنند که می‌شنود و می‌بیند و سخن می‌گوید. همه موارد کاربرد قل در قرآن تجلی خدای شنوا، بینا و گوینده است. به همین سبب نباید شنوا و بینا را به عالم تحویل داد. در شنوایی، بینایی و گوینده بودن خدا، بین هیچ مخلوقی و هیچ انسانی فرقی نیست. او انگاره‌ها و کنش‌ها را می‌بیند، سخنان، پرسش‌ها و نیازها را می‌شنود و به آنها با خطاب قل پاسخ می‌دهد.

پس فضای گفتگوی نزدیک خدا و انسان بر تلقی قرآن از خدا استوار است، خدایی که سمیع، بصیر و مکلم است و این سه اسم را می‌توان در تعبیر خدای گفتگو جمع کرد. در فضای گفتگوی نزدیک خدای

کمی کشیده تلفظ شود. عبری آن این‌گونه نوشته می‌شود. 727^۱

۸) تحلیل اخلاقی خطاب قل

خطاب قل پیام‌ها و فرایام‌های گوناگون دارد. اما فراوانی کاربرد آن با تنوع مخاطبان فضای «گفتگوی نزدیک» را ترسیم می‌کند: گفتگوی اثربخش و استوار بر هوش هیجانی بالا با هر کسی که در جامعه اسلامی سخنی و نقشی دارد، صرف‌نظر از سازنده یا مخرب بودن آن.

شنیدن سخنان و دیدن عملکرد همه آنان و گزارش آنها در وحی که سبب ماندگاری آنها نیز می‌شود و جواب دادن به آنها پیام خطاب قل در همه کاربردهاست. تبیین خطاب قل با آنچه سیوطی به نام تشریف امت می‌گوید و با آنچه جمهور مفسران به نام تأکید کلام می‌گویند با تفسیری که ارایه می‌شود (فضای گفتگوی نزدیک) ناسازگار نیست زیرا این تفسیر در سطحی فراتر قرار دارد. نکات فراوانی در این گفتگوی نزدیک قابل استفاده است:

۸-۱) به رسمیت شناختن حق سخن گفتن، اقبال به سخنان (نه به معنای پذیرفتن) قرآن با گزارش آراء سخیف منافقان، کافران و مشرکان در عمل، شعار مشهور الکفر یموت بترک ذکره را کنار نهاده است. ۸-۲) به رسمیت شناختن حق چون و چرا برای شنونده پیام وحی، اقبال به آنها و پاسخ وابسته به آنها. ۸-۳) مواجهه استدلالی و روشنگر با کنش‌ها و انگاره‌ها.

۸-۴) ایجاد فضای گفتگو و ترویج اخلاق گفتگو به ویژه صراحت در آن مدنظر است.

^۱ چنانچه شیخ مفید توضیح می‌دهد متکلم دلالت بر انفعال دارد و آموزه قرآنی مکلم بودن خداست. کلم الله تکلیماً.

^۱ این توضیحات را وامدار دوست دانشمند جناب دکتر رضا اکبری هستم.

- رازدادنِ خوش‌سخن، عیب کار بد را نشان می‌دهد و بندگان را در فرایند گفتگو هدایت و تربیت می‌کند.
- ای خدای رازدان خوش سخن
- عیب کار بد ز ما پنهان مکن
(مولوی، ۱۳۸۱: دفتر ۴، بیت ۱۳۵۳)
- مولوی از خدای گفتگو با تعبیر سلطان سخن یاد می‌کند که به ما سخن‌های دقیق یاد می‌دهد و دعا می‌آموزد و دعا را پاسخ می‌دهد (نک. مولوی، ۱۳۸۱: دفتر ۲، بیت‌های ۶۹۳-۶۹۴)
- فضای گفتگو نزد خدای گفتگو با انسانِ ناطق، خطاب خدا به نبی و پیامبر قل را به خطاب خدا به انسان تبدیل می‌کند. به تعبیر سیوطی امت بی‌واسطه خطاب می‌شوند (انفاق/۳ و ۱۱۵). این کارکرد گفتگویی قل نتیجه مهمی می‌دهد: در قرائت یا تلاوت آیات زمینه مناسبی به میان می‌آید تا هر فردی خود را در معرض خطاب، در موقعیت «من، اکنون، اینجا» بیابد و هرچند به میزانی اندک در تجربه نبوی شریک گردد. این تجربه در معرض وحی قرار گرفتن، چنانچه نمونه‌های فراوانی در تاریخ اسلام وجود دارد، می‌تواند به تحول وجودی بیانجامد.
- بحث و نتیجه‌گیری
۱. کاربرد قرآنی قل در ۳۳۲ مورد با ساختار شش‌بخشی به امرکننده به قل (صاحبان پیام)، مأمور به قل (نبی)، واژه قل، پیام قل (مقول)، مخاطب پیام قل و فرایم تحلیل می‌شود.
 ۲. پیام و فرایم قل بر حسب مخاطبان آن گوناگونی می‌یابند. این گوناگونی با ساختار لفظی خطاب قل هم سازگار است.
 ۳. توزیع کاربردهای قرآنی قل در دو ترتیب نزول و مصحف، مکی و مدنی بودن سوره‌ها، در آغاز یا میان بودن قل در دو آیه نسبت معناداری دارد.
۴. تشریف امت، تأکید کلام، نشان دادن اینکه آیات سخن خود خداست، ترغیب، نمونه‌هایی از فرایم در خطاب با قل‌اند.
۵. مواضع عمده خطاب قل عبارتند از: نیایش، گفتار نرم و مؤثر، نقد انگاره، بیان وظایف فقهی و اخلاقی برای مؤمنان، هشدار به پشت کنندگان به جهاد، رد انگاره، افشای نیات و اقدام‌های منافقان، جواب خرده‌گیری یهودیان بویژه در امر نبوت، جواب خرده‌گیری و اشکال‌های کافران و مشرکان بویژه در معاد، ایجاد گفتگوی درون‌شخصی در کافران جهت فعال‌سازی وجدان و فطرت آنان، اعلام جهانی رسالت نبی (ص)
۶. کاربردهای قرآنی قل فضای گفتگوی نزدیک خدا و انسان را ترسیم می‌کند. این فضا علم بر اصول اخلاقی و لام بر مبنای کلامی (از جمله سمیع، بصیر و مکلم بودن خدا) استوار است.
- منابع
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳) *تسنیم تفسیر قرآن کریم*، قم: اسراء.
- ژیلسون، اتین (۱۳۷۴). *خدا و فلسفه*، ترجمه شهرام یازوکی، تهران: حقیقت.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۶۳). *الانقاف فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: بیدار.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۴۵). *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمد حسین (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۱). *درآمدی بر تفسیر قرآن کریم و اصول و مقدمات*، تهران: تلاوت.

- فؤاد عبدالباقی، محمود (۱۳۶۴ق). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، القاهرة: مطبعة دارالکتب المصرية.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۱). مثنوی
- معنوی، به اهتمام برزگر خالقی، تهران: زوار.
- هاشمی، احمد. (بی‌تا). جواهر البلاغة فی المعانی والبیان و البدیع. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

